

۱۳۷۱ ش / ۱۹۹۲ به تحریک جعفریه پاکستان (نهضت جعفری پاکستان) تغییر یافت. در دی ۱۳۸۰ / ژانویه ۲۰۰۲ دولت پرویز مشرف فعالیت چند گروه مذهبی، از جمله نهضت جعفریه، را ممنوع کرد؛ از این رو، نام گروه به تحریک اسلامی (نهضت اسلامی) تغییر یافت.

در دوران مبارزات استقلال طلبانه مسلمانان شبه قاره هند، که به تأسیس پاکستان در ۲۳ مرداد ۱۳۲۶ / ۱۴ اوت ۱۹۴۷ انجامید، شیعیان نیز بسیار فعال بودند (جوادی، ص ۲۴). شیعیان که انتظار داشتند در کشور جدید، حقوق مذهبی و سیاسی برابر با دیگران داشته باشند، از نخستین سالیهای تأسیس پاکستان - که برای تعیین ساختار سیاسی و نظام حقوقی آن بحثهایی آغاز شد - برای به دست آوردن جایگاه حقوقی و فرهنگی خود، فعالیتهای سازمان یافته‌ای را آغاز کردند. در ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸، «آل شیعه کانفرنس»^۱ (همایش سراسری شیعه) با تلاش نواب مظفر علی قزلباش و علامه کفایت حسین، در لاهور تأسیس شد (وزارت حسین نقوی، مصاحبه مورخ ۳۰ مارس ۲۰۰۴). سال بعد، اداره تحفظ حقوق شیعه، با تلاش علامه کفایت حسین و مظفر علی شمس، در شهر لاهور ایجاد شد و در ۱۳۳۹ ش / ۱۹۶۰، «شیعه مطالبات کمیته» (کمیته مطالبات شیعه)، با تلاش سید محمد دهلوی و علامه مفتی جعفر حسین، در کراچی پایه گذاری گردید (همانجا). اهداف و خواستههای اساسی این سه مجموعه شیعی عبارت بودند از: حفظ عزاداری ایام محرم، تبلیغ آزادانه تشیع، و وحدت بین مذاهب و مسلمانان کشور (همانجا).

از ۱۳۴۴ ش / ۱۹۶۵، فعالیتهای سیاسی - اجتماعی بیشتری در گروههای شیعه به وجود آمد. سید محمد دهلوی از ۱۶ تا ۱۸ دی ۱۳۴۳ / ۵-۷ ژانویه ۱۹۶۵، ضمن سفرهایی به مناطق شیعه نشین کشور، از علما برای شرکت در گردهمایی بزرگی در کراچی دعوت کرد. در گردهمایی مذکور، این مواد به تصویب رسید: تدوین مواد درسی دینی جداگانه برای دانش آموزان و دانشجویان شیعه؛ واگذاری سرپرستی اوقاف شیعه به هیئت از شیعیان؛ امکان عزاداریهای مذهبی؛ و حذف مطالب مذهبی اعتراض برانگیز از کتابهای درسی (حسین عارف نقوی، ص ۲۷۱: زندگی نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۳۷). سید محمد دهلوی، به عنوان رئیس مجلس اعلای علمای شیعه - که در همان تاریخ، برای پیگیری خواستههای شرکت کنندگان در این گردهمایی، ایجاد شد - مسئولیت پیگیری خواستههای شیعیان را بر عهده گرفت. دولت ایوب خان در برابر این فشارها، تفکیک متون درسی دینی شیعیان را پذیرفت؛ اما در ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۱، که دهلوی درگذشت، گروههای شیعه نیز

به سبب کاربرد باستیون در دیوارهای اطرافش، به کاخهای مُشْتی از دوره اموی در سوریه و اُخْیَیْز از دوره عباسی در عراق شباهت دارد (سالم، ص ۶۵). کاخ جعفریه با اینکه پیش از شکل گیری سبک مدجنی که از قرن هفتم به بعد در اندلس شکل گرفت، ساخته شده، به سبب وجود بعضی ویژگیهای این سبک، از جمله کاربرد عناصر تزئینی در آن، به سبک مدجنی منسوب است (پترسن، همانجا؛ برای اطلاع بیشتر به هنر اسلامی، ص ۲۱۴-۲۱۹).

اکنون بعضی از آثار باقیمانده از کاخ جعفریه در موزه های مادرید، ساراگوسا و خود این کاخ نگهداری می شود (لامبر، ص ۱۳۸).

منابع: سید عبدالعزیز سالم، المساجد والقصور فی الاندلس، اسکندریه ۱۹۸۶؛ محمد عبدالله عنان، الآثار الاندلسیة الباقیة فی اسبانيا و البرتغال، قاهره ۱۹۶۱/۱۳۸۱؛ همو، دولة الاسلام فی الاندلس، قاهره ۱۹۹۷/۱۴۱۷؛ محمد حسن فحج، محطّات اندلسیة: دراسات فی التاریخ و الادب و الفن الاندلسی، جده ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ ایللی لامبر، تطوّر العمارة الاسلامیة فی اسبانيا و البرتغال و شمال افریقیا، عتیه عطالله جلیان، بیروت ۱۹۸۵؛ احمد بن محمد مقرئ، نفع الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۶۸/۱۳۸۸؛ هنر اسلامی، زیر نظر هانری مارتن، در سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش؛

Aljaferia, Saragossa: Cortes de Aragón, Palacio de la Aljafaria, [n.d.] (pamphlet); "Aljaferia of Saragossa palace", in *Islamic architecture*, 2005. [Online]. Available: <http://www.islamicarchitecture.org/architecture/palaces/aljaferia-saragossa-palace.html> [4 oct. 2005]; *The Dictionary of art*, ed. Jane Turner, New York: Grove, 1998, s.v. "Islamic art. I: Introduction. 8. Subject-matter" (by Robert Hillenbrand), "ibid. II: Architecture. 5. (iv) Western Islamic lands" (by Christian Ewert); Geoffrey King, "Spain", in *Architecture of the Islamic world*, ed. George Michell, London: Thames and Hudson, 1984; Alexandre Papadopoulos, *Islam and Muslim art*, translated from the French by Robert Erich Wolf, London 1980; Andrew Petersen, *Dictionary of Islamic architecture*, London 1996.

/ ستار عودی /

جعفریه، نهضت، سازمان مذهبی - سیاسی سراسری شیعیان پاکستان. نهضت جعفریه از آغاز تأسیس (۱۳۵۸ ش / ۱۹۷۹) تا کنون، تحت تأثیر اوضاع سیاسی پاکستان، چندین بار تغییر نام داده است. نخستین نام رسمی آن، تحریک نفاذ فقه جعفریه پاکستان (نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان) بود که در

دستاوردهای مبارزات گذشته خویش را از دست رفته می‌دیدند و فشار روزافزون سیاسی و مذهبی تازه‌ای را احساس می‌کردند - نشستی عمومی، با شرکت دهها هزار نفر، در شهر بکّر* (بکّر) ایالت پنجاب برگزار کردند. در این نشست دو روزه (۲۳ و ۲۴ فروردین ۱۳۵۸/۱۲ و ۱۳ آوریل ۱۹۷۹)، افرادی مانند مفتی جعفر حسین، سید صفدرحسین نجفی، شیخ محسن علی نجفی، سید ساجد علی نقوی و محمدحسین بکّر شرکت داشتند و در آن تحریک نفاذ فقه جعفریه (نهضت اجرای فقه جعفری) بنیان‌گذاری شد و مفتی جعفر حسین به رهبری عموم شیعیان انتخاب گردید (همان، ص ۴۲؛ عارفی، ص ۱۲۱؛ وزارت حسین نقوی، همانجا). همچنین برای نهضت، مجلس عامله (شورای مرکزی یا شورای عالی) تشکیل شد و افرادی چون وکیل سید وزارت حسین نقوی، سیدصفدر حسین نجفی، عارف حسین حسینی، و سید ساجد علی نقوی به عضویت آن برگزیده شدند (وزارت حسین نقوی، همانجا).

اهداف و خواسته‌های اساسی نهضت در آغاز، مستثنا شدن شیعیان از پرداخت زکات و عثّر دولتی، حفظ و حراست از عزاداری، نیاز نداشتن به مجوز دولتی برای عزاداری، استفاده از کتابهای ویژه آموزشی شیعه برای دانش‌آموزان و دانشجویان شیعه، و در نظر گرفتن فقه شیعه در قوانین حکومتی در صورت عملی شدن نظام اسلامی در کشور بود (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۴۵). مفتی جعفر حسین تلاش فراوانی برای قبولاندن این خواستها به دولت نمود که اوج آن در گردهمایی بزرگ ۱۴ تیر ۱۳۵۹/۵ ژوئیه ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد بود. در این گردهمایی، صدها هزار نفر در برابر ساختمان مجلس پاکستان گرد آمدند و دولت مرکزی ناگزیر شد به تمام خواسته‌های اعتراض کنندگان، که در چهارده ماده تنظیم یافته بود، پاسخ مثبت دهد (همان، ص ۴۶؛ عارفی، همانجا).

با درگذشت مفتی جعفر حسین در شهریور ۱۳۶۲/ اوت ۱۹۸۳ و روی کار آمدن عارف حسین حسینی، تغییراتی در اهداف نهضت به وجود آمد. نهضت، حزب سیاسی - مذهبی تمام عیاری شد و اهداف و برنامه‌های آن نیز از امور مذهبی به حوزه عمومی تغییر یافت (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۵۰-۵۳). در «دستور» (اساسنامه) نهضت - که در آن اصلاحات بسیاری صورت گرفته و در مرداد ۱۳۸۱/ اوت ۲۰۰۲ منتشر گردیده - اهداف و مقاصد آن چنین اعلام شده است: تقویت و پیشرفت پاکستان، برقراری نظام عادلانه اسلامی در پاکستان، حفاظت از حقوق مردم، تصویب و اجرای قانون برای پیروان هر مذهب بر اساس مذهب آنان، تقویت اتحاد بین مسلمانان، رفع تعصبات زبانی و مذهبی و منطقه‌ای، همکاری با گروههای همسو، امر به معروف و نهی از منکر،

تقریباً از فعالیت سازماندهند. این وضع تا آغاز حکومت ضیاءالحق* (۱۳۵۶ ش/ ۱۹۷۷) ادامه یافت. در پی پیروزی حزب مردم، به رهبری ذوالفقار علی بوتو، در انتخابات اسفند ۱۳۵۶/ مارس ۱۹۷۷، احزاب ملی‌گرا و اسلام‌گرای پاکستان - که با سیاستهای سوسیالیستی بوتو مخالف بودند و اسلامی شدن قوانین پاکستان را در خطر می‌دیدند - تحریک نظام مصطفی (جنبش نظام مصطفی) را، برای سرنگونی دولت بوتو، به وجود آوردند. دولت بوتو در برقراری نظم و امنیت ناکام ماند و سرانجام در تیر ۱۳۵۶/ ژوئیه ۱۹۷۷ ژنرال ضیاءالحق، فرمانده کل نیروهای مسلح پاکستان، با کودتای نظامی علیه ذوالفقار علی بوتو، قدرت را در دست گرفت. ضیاءالحق که گرایشهای مذهبی داشت و به قدرت رسیدن خود را تا حدود زیادی مدیون جنبش نظام مصطفی می‌دانست، سیاستهایی را برای اسلامی کردن کشور در پیش گرفت. وی در بهمن ۱۳۵۷/ فوریه ۱۹۷۹، با صدور فرمانی، اجرای مجازاتهای اسلامی مربوط به مسکرات (و نیز مواد مخدر)، سرقت، زنا و قذف را پی گرفت. وی در خرداد ۱۳۵۹/ ژوئن ۱۹۸۰ قانون دریافت زکات و عثّر را اجباری کرد و سال بعد «دادگاه شریعت فدرال» را برای اجرای احکام اسلامی تأسیس نمود (چراغ، ص ۶۴۸-۶۴۹).

اقدام ضیاءالحق برای اسلامی کردن قوانین، که بر اساس فقه اهل سنت بود، نگرانیهای شدیدی را برای شیعیان - که خواهان اجرای قوانین فقه جعفری در حوزه حقوق خصوصی و احوال شخصیه برای خود بودند - به وجود آورد. این مهم‌ترین عامل در سازماندهی نخبگان شیعه و پایه‌گذاری نهضت اجرای فقه جعفری گردید (تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۲؛ زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۴۰-۴۲). برنامه‌های اسلامی دولت، که با پشتوانه «اسلامی نظریاتی کونسل» (شورای عقاید اسلامی)، صورت می‌گرفت، با مخالفت نمایندگان شیعه عضو شورا، مفتی جعفر حسین و محمدرضی مجتهد، روبه‌رو شد و مفتی جعفر حسین در اعتراض به سیاستهای مذهبی دولت، از عضویت در شورا کناره‌گیری کرد (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۴۰-۴۱).

مخالفت مفتی جعفر حسین، به ویژه در باره زکات، با استقبال زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ شیعه مواجه شد. از طرف دیگر، ضیاءالحق پیش از آن، در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۷/ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸، در نشست شورای مشاوران فدرال - که برای مشورت در امور کشوری ایجاد شده بود - آموزش دینی جداگانه شیعه و سنی را نیز لغو نمود و آموزشی را جانشین آن کرد که در آن عقاید شیعی نادیده گرفته شده بود. این امر واکنش روحانیان شیعه و گروههای دیگر را برانگیخت (همان، ص ۴۰). رهبران مذهبی و اجتماعی - سیاسی شیعه - که تمام

ایجاد نهادهای آموزشی و رفاهی، و حفظ حقوق اقلیتها (همانجا؛ اسلامی تحریک پاکستان، ص ۱).

ساختار نهضت جعفری چند بار تغییر کرده است: در آغاز پس از مقام قیادت (رهبری) که در رأس نهضت قرار داشت، دو مجلس (شورا) به نامهای مجلس عامله و مجلس مرکزی، یک کابینه مرکزی و سپس نمایندگیهای فرعی تعریف شده بود؛ اما، در دوران رهبری عارف حسین حسینی، که ساختار حزب بازسازی شد، دو شورا به نام سپریم کونسل (شورای عالی) و مرکزی کونسل (شورای مرکزی) در تشکیلات حزب گنجانده شد. شورای مرکزی، که بیش از ۳۵۰ عضو دارد، بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در حزب است. پس از آن کمیته مرکزی قرار دارد که در زمان رهبری ساجدعلی نقوی ایجاد شده است و مسئولیت اجرای سیاستهای حزبی را بر عهده دارد. پس از کمیته مرکزی، کابینه‌ها قرار گرفته‌اند که به ترتیب به کابینه مرکزی، ایالتی، شهر، شهرستان و شاخه تقسیم می‌شوند. فعالیتهای سیاسی از اختیارات ویژه کابینه مرکزی می‌باشد که در رأس آن رهبر قرار گرفته است. برای اعمال نظارت بر همه این نهادها و بخشها، شورای عالی تعریف شده است که تعداد اعضای آن در زمان عارف حسین به ۳۷ تن رسیده بود (تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۵-۶).

در رأس همه تشکیلات، رهبر و کابینه مرکزی قرار دارد. مقر کابینه مرکزی در شهر راولپندی است. در ۱۳۸۱ ش / ۲۰۰۲، بار دیگر اصلاحاتی در ساختار نهضت صورت گرفت. بر اساس ساختار جدید، شورای مرکزی و شورای عالی از ساختار حزب حذف گردیدند و به جای آنها، نظام شورایی در همه سطوح برقرار شد که عبارت‌اند از: جنرل کونسل (شورای عمومی)، شورای ایالتی، شورای منطقه‌ای، شورای شهر و شهرستان و شورای شاخه (اسلامی تحریک پاکستان، ص ۳).

اقدامات و عملکرد. نهضت از زمان شکل‌گیری تا شهریور ۱۳۸۴ / سپتامبر ۲۰۰۵، در دفاع از حقوق شیعیان پاکستان، انسجام بخشیدن به آنان و رشد آگاهیهای عمومی اقدامات مهمی کرده است. مجموع فعالیتهای نهضت را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد:

۱) از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ ش / ۱۹۷۹-۱۹۸۳. این دوره با رهبری مفتی جعفر حسین آغاز شد. در این دوره، نهضت اجرای فقه جعفری توانست دولت ضیاءالحق را در ظاهر به پذیرش خواست شیعیان مبنی بر نپرداختن زکات به دولت وادار سازد. همچنین در معاهده‌ای که میان رهبران نهضت جعفری و دولت در دی ۱۳۵۸ / ژانویه ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد به امضا رسید، در باره آموزش تعلیمات دینی، حفاظت از عزاداری و اجرای قوانین فقه جعفری در احوالات شخصیه در مورد شیعیان، به توافق

رسیدند، اما دولت بعداً از اجرای آن خودداری کرد (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۴۴-۴۶؛ عارفی، همانجا). در دوره اول، به دلیل محدود بودن اهداف نهضت و خوش‌بینی مردم در برآورده شدن خواسته‌هایشان و مشروط بودن اجرای فقه شیعی به اسلامی شدن قوانین کشور و همچنین مشکلات ساختاری نهضت، پیشرفت کمی در بهبود وضع شیعیان حاصل شد (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۴۷).

۲) از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ ش / ۱۹۸۴-۱۹۸۸. این دوره با رهبری عارف حسین حسینی آغاز گردید. در این دوره، ساختار حزب بازسازی شد و دامنه فعالیت آن به سراسر کشور توسعه یافت. در واقع، با ظهور رهبری جدید و جوان در رأس جنبش شیعیان پاکستان، جامعه شیعیان وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاسی - اجتماعی خود گردید (عارفی، همانجا). مهم‌ترین فعالیت نهضت در این دوره، ایجاد زیرساختهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و تشکیلاتی، و تغییر در باورهای مذهبی و اجتماعی جامعه سنتی شیعیان بود. تا پیش از روی کار آمدن عارف حسین، شیعیان سازمانی فراگیر و تشخص سیاسی مستقل و مؤثری در تحولات سیاسی کشور نداشتند. او در چهار سال رهبری سیاسی خود، شیعیان این کشور را تا اندازه‌ای از انزوای اجتماعی - سیاسی و فکری بیرون آورد و آن را نه تنها به مردم پاکستان بلکه به جهانیان معرفی کرد؛ ساختار تشکیلاتی حزب را نیرومند، نمایندگیهای آن را در سراسر کشور فعال و ارتباط آن را با مردم تقویت نمود؛ اعتبار نهضت در میان مردم را افزایش داد و مبارزه با استعمار، به ویژه امریکا و صهیونیسم، را تشدید کرد؛ مخالفت و مبارزه با رژیم را صریح‌تر و تلاش برای وحدت در جامعه پاکستان را بیشتر نمود و ارتباط با احزاب اسلامی کشور را افزایش داد (تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۴).

یکی از تحولات مهم نهضت در دوران رهبری عارف حسین حسینی، تغییر مثنی نهضت به سوی فعالیتهای سیاسی بود، که با تدوین منشور سیاسی جامع و اعلان آن در همایش قرآن و سنت در تیر ۱۳۶۵ / ژوئیه ۱۹۸۶ در لاهور صورت گرفت (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۱۳۷-۱۴۹). نهضت در این دوره، مشکلاتی نیز داشت که دست‌کم در سه مورد کاملاً محسوس و جدی بودند: اول، حکومت نظامی ضیاءالحق (۱۳۵۶-۱۳۶۷ ش / ۱۹۷۷-۱۹۸۸) بود که با اعمال فشارهای سیاسی مستقیم و غیرمستقیم می‌کوشید از رشد اسلام‌گرایی شیعی، که به نحوی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بود، جلوگیری کند (همان، ص ۱۳۶-۱۳۷). دولت در مخالفت با سیاستها و فعالیتهای نهضت جعفری،

استبداد داخلی می‌پرداخت و برای برقراری حکومت اسلامی در پاکستان تلاش می‌کرد (همان، ص ۱۴۳، ۱۶۰)؛ اما، در دوره سوم در این رویکرد تجدیدنظر شد و نهضت راهبردی واقع‌گرایانه و تا حدودی عمل‌گرایانه را در پیش گرفت. ساجدعلی نقوی برای فرونشاندن درگیریهای فرقه‌ای، اقداماتی کرد و کوشید مناسبات سازمان‌یافته‌ای با احزاب اسلامی اهل سنت، مانند جماعت اسلامی، جمعیت العلمای اسلام، جمعیت العلمای پاکستان و جمعیت اهل حدیث و حتی سپاه صحابه، برقرار کند. وزیر مذهبی فدرال، عبدالستار نیازی، برای وحدت گروههای شیعه و اهل سنت دیوبندی، بریلوی و اهل حدیث، کمیته اتحاد بین‌المسلمین را، با عضویت سی تن از علمای مذاهب اسلامی، تشکیل داد که آنان در مهر ۱۳۷۰/ سپتامبر ۱۹۹۱، مجموعه‌ای را با عنوان «ضابطه اخلاق» تدوین و تصویب کردند و سران نهضت نیز آن را امضا نمودند (جوادی، ص ۲۴). در ضابطه اخلاق، فرقه‌گرایی در کشور محکوم و پیروی از شیوه‌هایی برای حل مناقشات به گروهها توصیه شده است.

نهضت در اواخر ۱۳۷۳ ش / اوایل ۱۹۹۵ گام دیگری برای وحدت میان مذاهب اسلامی برداشت که به تشکیل «ملی یکجتهی کونسل» (شورای همبستگی ملی) در ۴ فروردین/ ۲۴ مارس همان سال، انجامید. در این شورا، گروههای اسلامی نهضت جعفریه، جماعت اسلامی، جمعیت العلمای اسلام گروه فضل‌الرحمان و سمیع‌الحق، جمعیت العلمای پاکستان، گروه نیازی، تحریک منہاج‌القرآن و جمعیت اهل حدیث شرکت داشتند (همان، ص ۲۴-۲۵؛ تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۵، ص ۱۳-۱۵). هدف از تشکیل این اتحاد، پایان دادن به درگیریهای مذهبی و منزوی کردن سپاه صحابه و فشار آوردن به آن گروه برای توقف عملیات خشونت‌بار آن بود؛ اما، این اتحاد نتوانست به درگیریهای فرقه‌ای پایان دهد. در ۶ تیر ۱۳۸۰/ ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱، شش حزب اسلامی، با عنوان مجلس متحده عمل، در اسلام‌آباد متحد شدند. هدف از این اتحاد، برقراری نظام جمهوری واقعی اسلامی اعلام شده بود (مجلس متحده مجلس عمل پاکستان، ص ۲-۳).

فعالیت‌های عمده نهضت جعفری در دهه ۱۳۷۰ ش / ۱۹۹۰ عمده‌تاً در دو بخش متمرکز شده بود:

اول، فعالیت‌های آموزشی و رفاهی، که در این زمینه سه نهاد فرعی تأسیس شد: ۱) اسلامک ایمپلایز^۱ (سازمان شاغلان اسلامی)، متشکل از متخصصان و کارشناسان تمام رشته‌ها و شعبه‌ها مانند شعبه استادان، شعبه نوجوانان، شعبه دانشجویان

موانعی بر سر راه فعالیت آن ایجاد نمود و حتی با حمله به اجتماع طرفداران آن، گروهی را کشت و عده‌ای را زخمی کرد و همچنین رهبران محلی نهضت را به زندان انداخت (فهیم عباس، ص ۱۶).

مشکل دوم، انشعاب در نهضت بود. از نخستین روز تعیین رهبری جدید حزب در ۱۳۶۳ ش، هم‌زمان با نشست بهکر، نشست دیگری با حضور گروهی از روحانیان، ذاکران، خطباء و افسران بازنشسته شیعه در اسلام‌آباد تشکیل شد که در آن سید حامدعلی شاه موسوی به رهبری نهضت (شاخه اسلام‌آباد) انتخاب گردید (زیدی، ۲۰۰۶). عارف حسین حسینی و همکاران او، برای وحدت دو شاخه نهضت، تلاشهای زیادی کردند؛ اما، سرانجام هیئت ده نفره میانجیگری، بدون دستیابی به نتیجه مطلوب، وجود هر دو شاخه نهضت را تأیید کرد و به کار خود پایان داد (حسینی، ص ۶۰-۶۳).

مشکل سوم، خشونت‌های فرقه‌ای سازمان یافته سپاه صحابه بود که از ۱۳۶۴ ش / ۱۹۸۵ آغاز شده بود. سپاه صحابه مبارزه با نفوذ انقلاب اسلامی ایران را - که تصور می‌کرد بیشتر، از طریق نهضت اجرای فقه جعفری در پاکستان گسترش می‌یابد - هدف اساسی خود قرار داد و با برانگیختن احساسات مذهبی ضد شیعی، راهپیماییهای خیابانی، شعارنویسی بر دیوارها و سوء قصد به جان اشخاص وابسته به نهضت جعفری، به فعالیت‌های افراطی خود ادامه می‌داد (عارفی، ص ۱۲۵-۱۲۸). بر اثر حوادث فرقه‌ای، دهمین تن از اعضای نهضت در پنجاب و سند جان خود را از دست دادند. بزرگ‌ترین حادثه فرقه‌ای زمانی اتفاق افتاد که هزاران تن از افراطیهای مذهبی از گیلگت و شهرستانهای اطراف آن در روز عید فطر ۱۳۶۷ ش / ۱۹۸۸، به مناطق شیعه‌نشین گلگت، به ویژه جلال‌آباد، حمله کردند و در نتیجه، سیزده روستا بین ۶۵٪ تا ۱۰۰٪ تخریب شد و ۱۵۰۰ خانواده بی‌خانمان گردیدند و دست‌کم ۹۵ تن جان خود را از دست دادند (النصره، ش ۱۲، ص ۴-۸). عارف حسین حسینی، رهبر نهضت جعفریه، نیز در ۱۴ مرداد ۱۳۶۷/ ۵ اوت ۱۹۸۸ در پیشاور کشته شد (زندگی‌نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی، ص ۸۴).

۳) از ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۴ ش / ۱۹۸۸-۲۰۰۵. این دوره با رهبری سیدساجد علی نقوی (معاون اول و مشاور سیاسی شهید عارف حسین حسینی) در ۱۳ شهریور ۱۳۶۷/ ۴ سپتامبر ۱۹۸۸ آغاز شد. تفاوت اساسی دوره سوم با دوره دوم، در رویکرد کلان نهضت جعفریه نسبت به مسائل کشور بود. دوره دوم دوره آرمان‌گرایی بود که رهبر نهضت به مبارزه انقلابی با نفوذ آمریکا و

و شعبه پزشکان. هدف این سازمان آموزش افراد برای کارایی، ایجاد اشتغال و مبارزه با فقر و بیکاری بود (تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۵، ۱۱). ۲) جعفریه ترست^۱ (بنیاد جعفری)، که در ۱۳۶۹ ش/ ۱۹۹۰ با اهداف آموزشی، تبلیغی و رفاهی تشکیل شد. این مؤسسه در زمینه آموزش، از دوازده مدرسه جدید حمایت مالی کرد و در زمینه امور رفاهی، ۹۵ طرح کوچک پل سازی، سد سازی، انحراف آب، کانال کشی، حفر چاه، لوله کشی، جاده سازی و مانند آن را به انجام رساند (همان، ص ۱۱؛ جعفریه ترست، ص ۷۱). ۳) پاکستان ایجوکیشنل کونسل^۲ (شورای آموزشی پاکستان). این نهاد با هدف توسعه آموزش و رشد مهارت‌های جدید در میان شیعیان، به ویژه در مناطق محروم، در ۱۱ خرداد ۱۳۷۵ / اول ژوئن ۱۹۹۶ در اسلام‌آباد تشکیل شد و ۲۶ باب مدرسه و مرکز آموزشی را در پنجاب، بلتستان، سرحد، گلگت و کویت تحت پوشش قرار داد (پاکستان ایجوکیشنل کونسل، ص ۳۲؛ تحریک جعفریه پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۱۱-۱۰). این نهادهای سه گانه، در اواخر دهه ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۰، به دلایل مالی، فنی و سازمانی تعطیل شدند.

دوم، فعالیت‌های سیاسی - حقوقی با هدف فرونشاندن درگیری‌ها و التهابات فرقه‌ای. در دهه ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۰، عملیات خشونت‌بار و فرقه‌ای سپاه صحابه و «لشکر جنگوی» افزایش بسیار یافت. در دهه ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۰ بسیاری از افراد وابسته به «نهضت اجرای فقه جعفری» مورد حملات فرقه گرایانه قرار می‌گرفتند، اما از اوایل دهه ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰ به بعد، همه شیعیان به گونه‌ای هدف حملات سپاه صحابه و لشکر جنگوی شدند. بیشترین حملات، در این مقطع، به تجمعات و مراسم عبادی، مانند نمازهای جماعت و جمعه و عزاداری‌ها، می‌شد که تلفات زیادی نیز به همراه داشت. از سوی دیگر، اعظم طارق، سرکرده سپاه صحابه که در انتخابات ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۱ به نمایندگی مجلس پاکستان برگزیده شده بود، لایحه «ناموس صحابه» را، با جمع‌آوری امضای چهل نماینده، در ۱۳۷۲ ش/ ۱۹۹۳ به مجلس داد که مفاد آن لزوم حفظ احترام صحابه و مرتد دانستن مخالفان صحابه بود (عارفی، ص ۱۲۷). همچنین «لایحه شریعت»، که از زمان ضیاءالحق به بعد یکی از موضوعات مهم مباحث مجلس قانونگذاری پاکستان بود، از نظر نهضت جعفریه نیاز به اصلاح داشت. نهضت جعفریه توانست، با رایزنی، از تصویب لوایح ضدشیعی در مجلس و دولت جلوگیری کند (ساجدعلی نقوی، ص ۲۲۱). با ادامه تشویش‌های فرقه‌ای قومی و سیاسی در پاکستان،

اوضاع اجتماعی و سیاسی در سالهای آخر دهه ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰ به شدت بحرانی شده بود که به کودتای ژنرال پرویز مشرف در ۲ مهر ۱۳۷۸ / ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹ و سقوط دولت نواز شریف انجامید. وی مبارزه با فرقه گرایی را یکی از برنامه‌های اصلی خود می‌دانست. حادثه ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ / ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا و اقدام امریکا و جامعه جهانی برای مبارزه با تروریسم، رئیس‌جمهور پاکستان را به برخوردهای شدیدتری با احزاب تندرو اسلامی در این کشور واداشت؛ از این‌رو، دولت مشرف سپاه صحابه و جیش محمد را غیرقانونی اعلام کرد و در ۲۲ دی ۱۳۸۰ / ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲ نهضت جعفریه را نیز در ردیف آنها قرار داد و فعالیت آن ممنوع شد (تحریک جعفریه پاکستان، ۲۰۰۲، ص ۳۱).

پس از آن، نهضت نام خود را به «اسلامی تحریک» (جنبش اسلامی) تغییر داد و بلافاصله فعالیت خود را تحت نام جدید آغاز کرد؛ اما، دولت در ۲۴ آبان ۱۳۸۲ / ۱۵ نوامبر ۲۰۰۳ «تحریک اسلامی» و هر نوع فعالیت رهبران آن را با هر عنوان دیگری، غیرقانونی خواند. از آن تاریخ تا شهریور ۱۳۸۴ / سپتامبر ۲۰۰۵ دولت دفاتر نهضت را مهر و موم کرده و از اجتماعات آن جلوگیری نموده است. این تصمیم دولت صدمات شدیدی بر تشکیلات نهضت وارد کرد و بسیاری از فعالان نهضت را عملاً منزوی نمود. ساجد علی نقوی ناگزیر شد فعالیت‌های سیاسی‌اش را از طریق «مجلس متحده عمل»، که «نهضت» یکی از اعضای آن است، تداوم بخشد و ارتباطات مردمی را نیز از طریق برگزاری عزاداری‌ها یا شرکت در آنها و برنامه‌های مذهبی ادامه دهد و دیدگاه‌ها و مواضع خود را بازگوی نماید (ساجدعلی نقوی، ص ۲۲۰).

همزمان با ممنوع شدن فعالیت‌های جنبش اسلامی، ساجدعلی نقوی نیز، به اتهام دخالت در قتل اعظم طارق، سرپرست سپاه صحابه، دستگیری شد. دستگیری وی اعتراض‌های جمعی شیعیان را در پی داشت و بزرگان و علمای برجسته شیعه، برای حل مسئله و اقدام‌های بعدی، کمیته‌ای تشکیل دادند. وی سرانجام، پس از چهار ماه، در ۲۳ اسفند ۱۳۸۲ / ۱۴ مارس ۲۰۰۴ آزاد شد. از ۱۳۸۴ ش/ ۲۰۰۵ نهضت از مجاری قانونی می‌کوشد تا مجوز فعالیت خود را دوباره به دست آورد. در اوضاع کنونی، مهم‌ترین اهداف و خواسته‌های آن از دولت عبارت‌اند از: برداشتن ممنوعیت فعالیت‌های آن؛ تأمین حقوق اجتماعی و مذهبی شیعیان؛ مشارکت متناسب با جمعیت شیعیان در ادارات و نهادهای دولتی، به ویژه نهادهای دینی، مانند شورای عقاید اسلامی، «وفاقی شریعت کورث»، «دادگاه شرعی کل کشور»،

۱۳۶۹ ش؛ محمد اکرم عارفی، جنبش اسلامی پاکستان: بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، قم ۱۳۸۲ ش؛ فہیم عباس، کربلا معلی کربلا کوشه تک: تاریخ شہدائی جعفریہ بلوچستان، کویتہ ۲۰۱۴؛ متحدہ مجلس عمل پاکستان، دستور و منشور متحدہ مجلس عمل پاکستان، فیصل آباد: متحدہ مجلس عمل پاکستان، [بی.تا.]: النصرۃ، ش ۱۲ (مارس - مه ۱۹۸۸)؛ حسین عارف نقوی، تذکرہ علمای امامیہ پاکستان، اسلام آباد ۱۳۶۳ ش؛ ساجد علی نقوی، «شیعیان و چالش‌های پیش‌رو: وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان در پاکستان»، فصلنامہ تخصصی شیعہ‌شناسی، سال ۲، ش ۱۰ (تابستان ۱۳۸۴)؛

Syed Qamar Haider Zaidi, "Biography of Quaid-i-Millat Jafariya, Pakistan: Agha Syed Hamid Ali Shah Moosavi", *Tehreek Nafaz-e-Figh-e-Jafariya Pakistan*, [Online]. Available: <http://tnfj.org.pk/sec/bio.htm> [24 Apr. 2006].

/ محمد اکرم عارفی /

جعفی، جابر ← جابر بن یزید جعفی

جعفی، خاندان، از خاندانهای مشهور یمنی ساکن در کوفہ.

جعفی نام تیره‌ای از تیره‌های قبیله مذحج است (← ابن حزم، ص ۴۷۶-۴۷۷). این تیره، گاه به سبب بزرگی و اهمیتش، قبیله هم خوانده شده است (← ابن منظور، ذیل «جعف»). نام این تیره برگرفته از نام جعفی بن سعد العسیری بن مالک است که در واقع پدر این قبیله محسوب می‌شود (جوهری؛ یاقوت حموی، ذیل «جعف») و نسل وی از طریق دو پسرش، مرّان و خریم، ادامه یافته است (ابن حزم، ص ۴۰۹). در باره اصل واژه جعفی و هیئت منسوب به آن، اقوال گوناگونی ذکر شده است (← ابن منظور، همانجا؛ مرتضی زبیدی، ذیل «جعف»). بنا بر مشهور، جعفی هم نام پدر قبیله جعفی است و هم هیئت منسوب به آن (← سمعانی، ج ۲، ص ۶۷). از تیره جعفی در شعر جاهلی از جمله شعرهای لبید بن ربیع با عنوان «قبایل جعفی» یاد شده است (شرح دیوان لبید بن ربیع العامری، ص ۹۹؛ نیز ← ابن منظور، همانجا).

برخی از افراد این قبیله در جنگ بدر در کنار پیامبر اکرم بودند (ابن حزم، ص ۴۱۰) و برخی نیز در عام الوفود به حضور پیغمبر رسیدند (← ابن سعد، ج ۱، ص ۳۲۴). جعفیان در برخی از حوادث مشهور پس از اسلام نقش داشته‌اند، از آن جمله عبید اللہ بن حرّ جعفی معروف به «الشاعر الفاتک» که از هواداران عثمان بن عفّان بود و در جنگ صفین در سپاه معاویه حضور

«وزارت امور مذهبی»، «اداره تحقیقات اسلامی»؛ و آزادی در برگزاری مراسم عزاداری (همان، ص ۲۱۶-۲۱۸).

نہضت جعفریہ تقریباً از ۱۳۶۳ ش/ ۱۹۸۴ به حضور در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی توجه نشان داده است. سیاست نہضت در آغاز، ائتلاف با احزاب دیگر یا حمایت از نامزدهای احزاب دیگر بود (حسینی، ص ۷۰)؛ اما، در انتخابات ۱۳۷۷ ش/ ۱۹۹۸، به عنوان حزب مستقل وارد مبارزہ انتخاباتی گردید، گرچه نتوانست نماینده‌ای به مجلس بفرستد (تحریک جعفریہ پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۷). نہضت تنها در دو انتخابات (۱۳۷۳ ش/ ۱۹۹۴ و ۱۳۷۶ ش/ ۱۹۹۷) موفقیت‌های ملموسی به دست آورد. در انتخابات ۱۳۷۳/ اکتبر ۱۹۹۴، در مناطق شمالی توانست هشت کرسی از ۲۴ کرسی «ناردرن ایریز کونسل» (شورای مناطق شمال) را از آن خود کند (حسین آبادی، ص ۳۱۲). در انتخابات ۱۳۷۶ ش/ ۱۹۹۷، به ائتلاف مسلم لیگ پیوست و با حمایت از نواز شریف، توانست سید جواد هادی، از روحانیان پاکستان، را به مجلس سنا و افرادی را نیز به مجلس شورا بفرستد (تحریک جعفریہ پاکستان، ۱۹۹۹، ص ۱۰).

مناسبات نہضت جعفری با دولت، بنا بر اوضاع سیاسی، فراز و نشیب‌هایی داشته است. نہضت تاکنون بیشتر در جبهہ مخالفان دولت قرار داشته، چنانکه عضو ائتلاف «مجلس متحدہ عمل» است که نیرومندترین دسته‌بندی مخالف دولت را در مجلس تشکیل می‌دهد. نہضت همچنین روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران، حوزه علمیه قم و مراجع تقلید در قم و نجف اشرف دارد. رابطه دوستانہ با جنبش‌های اسلامی در کشورهای دیگر و حمایت از انتفاضہ فلسطین و برگزاری راهپیمایی در روز قدس (آخرین جمعہ ماه رمضان هر سال) از دیگر اقدامات نہضت است.

منابع: اسلامی تحریک پاکستان، دستور اسلامی تحریک پاکستان، راولپندی ۲۰۰۲؛ پاکستان ایجوکیشنل کونسل، پاکستان ایجوکیشنل کونسل ایک نظرمین، [راولپندی، بی.تا.]: تحریک جعفریہ پاکستان، تحریک جعفریہ پاکستان پریابندی: حقائق کی آئینہ مین، راولپندی [۲۰۰۲]؛ سمو، تحریک جعفریہ پاکستان: تعارف، کارکردگی، وضاحت، راولپندی [۱۹۹۹]؛ سمو، کارکردگی رپورٹ: اکتوبر ۱۹۹۴ تا ستمبر ۱۹۹۵، [راولپندی ۱۹۹۵]؛ جعفریہ ترست، خدمت کی ایک تحریک، اسلام آباد: جعفریہ ترست، [بی.تا.]: ملک آفتاب حسین جوادی، تحقیقی دستاویز، راولپندی ۱۹۹۷؛ محمد علی چراغ، تاریخ پاکستان، لاہور ۱۹۹۰؛ محمد یوسف حسین آبادی، تاریخ بلتستان، سکرو ۲۰۰۳؛ عارف حسین حسینی، میثاق خون، لاہور ۱۹۹۷؛ زندگی‌نامہ علامہ شہید عارف حسین الحسینی از ولادت تا شہادت، تهیه کنندہ: مؤسسہ شہید الحسینی، قم: نشر شہاد،